

بیش معنوی - ۶۱

تألیف و گزینش
مارتین لینگز

ترجمه و تکمیل
دکتر سعید رحیمیان

حرف و سخن

نگار
نشر نگاه معاصر

حدیث ساغر و می

تألیف و گزینش مارتین لینگز

ترجمه و تکمیل
دکتر سعید رحیمیان

تألیف: مارتین لینگز (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: یاسم الرسام
تألیف و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی) / چاپ اول: ۱۳۹۲
شماره ۱۰ / صفحه / قیمت: ۸۶۰۰ تومان / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۶۵-۲

نگاه معاصر
شماره نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی، شهرک محله فاز ۲ مخابرات، بلوک ۳۸، واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / مکترونیکی: negahe_moaser@yahoo.com

عنوان و نام پدیدآور	: حدیث ساغر و می / تألیف و گزینش مارتین لینگز؛ ترجمه و تکمیل سعید رحیمیان.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ ص.
فروست	: بینش معنوی؛ ۶۱.
شابک	: 978-600-5747-65-2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
یادداشت	: عنوان اصلی:
موضوع	: Saffi Poems: A Medieval Anthology, © 2004.
موضوع	: شعر عرفانی عربی - ترجمه‌شده به انگلیسی.
موضوع	: شعر عرفانی عربی - ترجمه‌شده به فارسی.
موضوع	: عارفان - سرگذشت‌نامه.
شناسه افزوده	: لینگز، مارتین، ۱۹۰۹ م -
شناسه افزوده	: Lings, Martin
شناسه افزوده	: رحیمیان، سعید، ۱۳۴۴ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ح ۴ ع ۴ / PJA ۲۶۰۲
رده‌بندی دیوبی	: ۸۹۲/۷۱۰۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۹۱۸۴۰

فهرست مطالب

۷ مختلفا مترجم ۱۳

۱۷ فصل یکم: ابو عبد الله بصری ۲۷ فصل دوم: ذوالنور ثوبی و سرخ احمیمی ۳۷ فصل سوم: سهل بن عبد الله تسلی و شوشتری (بصری) ۴۱ فصل چهارم: ابوالحسن اسدی و محمد النوری بغدادی ۴۹ فصل پنجم: ابوالحسن سمنون بن حمزه بصری بغدادی ۵۹ فصل ششم: حسین بن منصور حلاج (بصری) بغدادی ۹۱ فصل هفتم: ابوبکر دلف بن جحدر شبلی بغدادی ۱۰۱ فصل هشتم: ابوالعباس ابن قاسم سیاری مروی ۱۰۵ فصل نهم: عبدالعزیز تونسی ۱۰۹ فصل دهم: ابو حامد محمد غزالی طوسی بغدادی ۱۵۰ فصل یازدهم: محی الدین محمد بن علی بن عربی اندلسی ۱۵۹ فصل دوازدهم: شرف الدین عمر بن فارض مصری ۱۶۷ فصل سیزدهم: ابوالحسن علی بن عبدالله شوشتری اندلسی

۱۷۷ حاصل کلام ۱۸۱ تعلیقات مؤلف ۱۹۴ کتبانامه

پیشگفتار مترجم

کتابی که پیش روی خوانندگان گرامی است، گزیده‌ای اشعار عربی است که از سده دوم تا سده هشتم هجری است.^۱ این کتاب حاصل تلاش دکتر مارتین لینگز به زبان انگلیسی بوده که در ضمن آن اشعار عربی گزیده سده توسط دکتر مارتین لینگز به زبان انگلیسی برگردانده شده است. در این کتاب به جز اشعار، حاوی مقدمه‌ای مفید در بیان هدف از این گزیده نیز به‌دخول برای آشنایی با شخصیت و مکتب هر عارف است. در انتهای آن نیز تعلیقاتی قرار دارد که حاوی ارجاعات و روشن‌کننده‌ی معانی برخی ابیات است.^۲

مؤلف کتاب، مارتین لینگز یکی از شاگردان و پیروان متفکر، هنرمند و عارف مسلمان سوییسی فریدریش شووان^۳ و از معتقدان مکتب سنت‌گرایانه او با عنوان «حکمت خالد» است. وی اصلاً انگلیسی بوده و به سال ۱۹۰۹ میلادی در خانواده‌ای آلمانی متولد شد و از حدود بیست‌سالگی به بعد مانند بسیاری از جوانان آلمانی

۱. مشخصات کتاب بدین شرح است:

3. *Poems, A Mediaeval Anthology*, Martin Lings, Cambridge, Islamic Texts Society, 2004.

۲. این متن برای دروس «بررسی آثار ترجمه‌شده اسلامی ۱ و ۲» رشته ادبیات و زبان انگلیسی و نیز «زبان تخصصی» رشته ادبیات و زبان عربی به عنوان متن یا منبع کمک‌درسی قابل تدریس و مراجعه است.

۳. در مورد شخصیت شووان و مکتب او رجوع شود به: مقدمه گوهر و صدف عرفان اسلامی (نوشته شووان، ترجمه راسخی) از مصطفی ملکیان (نشر سهروردی ۱۳۸۱) و نیز خرد جاویدان (به کوشش شهرام یوسفی‌فر) دانشگاه تهران ۱۳۸۲. نیز مجله نقد و نظر، سال چهارم، شماره سوم و چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.

اعتقاد خود را به مسیحیت از دست داد، ولی برخلاف ایشان دست از طلب حقیقت برنداشت و پس از سال‌ها مطالعه در ادیان، در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ در نتیجه‌ی آشنایی با آثار رنه گنون و نیز برخی از مسلمانان الجزایری و مراکشی شیفته‌ی اسلام شد و توسط ایشان به اسلام مشرف گردید. این عده خود از پیروان عارف الجزایری شیخ احمد العلوی بودند که در سال ۱۹۳۲ درگذشت.

دکتر لینگز به فرقه شاذلیه (درقاویه) گروید و پس از تشرف به اسلام ابوبکر سراج‌الدین نامیده شده. وی به واسطه‌ی علاقه به فرهنگ اسلام و زبان عربی دوازده سال (۱۹۵۲-۱۹۴۰) در دانشگاه قاهره مصر به تدریس پرداخت. پس از عزیمت دوباره به انگلستان در رشته زبان عربی دانشگاه لندن درجه دکتری گرفت و از ۱۹۵۵ متصدی به تدریس و نگارش در این رشته شد. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ مسئول نگهداری کتاب‌های شرقی و اسلامی در موزه بود. او همه عمر خویش را وقف پژوهش در معارف اسلامی و عرضه‌ی آنها به غرب و دفاع از اسلام نمود و از برجسته‌ترین هنر قدسی و هنر اسلامی و خود هنرمندی خوش ذوق بود. وی در سال ۲۰۰۵ میلادی درگذشت. از آثار او می‌توان به کتاب‌هایی همچون قدیس مسلمان در قرن بیستم^۱، تصوف چیست؟^۲، باورهای قدیم و غرافه‌های جدید^۳، نماد و نشانه، کتاب یقین^۴، محمد(ص): زندگی با پیامبر(ص) براساس کهن‌ترین منابع^۵ که در سال ۱۹۸۳ منتشر شد و در سطح جهان به عنوان یک شاهکار معرفی شده است، اشاره کرد. وی همچنین مقاله‌هایی در دائرةالمعارف اسلام، دائرةالمعارف بریتانیکا و مجله‌های اسلام‌شناسی در باب شناخت عرفان اسلامی دارد.

۱. این کتاب با عنوان عارفی از الجزایر توسط دکتر نصرالله پورجوادی ترجمه شده است. (چاپ اول، ۱۳۶۰، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها).

۲. این کتاب نیز تحت عنوان عرفان اسلامی چیست توسط فروزان راسخی به فارسی ترجمه شده است. (چاپ دوم، ۱۳۸۳، نشر سپهرودی).

۳. این کتاب با ترجمه آقای کامبیز گوتن منتشر شده است. (چاپ اول، انتشارات حکمت، ۱۳۷۶).

۴. این کتاب با ترجمه زهره حاجی میرصادقی منتشر شده است. (نشر هرمس، ۱۳۸۹).

۵. این کتاب با ترجمه سعید تهرانی‌نسب منتشر شده است. (انتشارات حکمت، ۱۳۹۰).

طرح نخست

کتاب حاضر چنان‌که مؤلف در مقدمه ذکر نموده، به عنوان مجلدی از تاریخ جدید کیمبرج در ادبیات عرب تدوین و سپس تجدید نظر به عنوان گنجینی از شعر عرفانی بر اساس ترتیب تاریخی شاعران عارف، درآمده است. مؤلف به گزینش شمه‌ای از آثار عارفان سده دوم تا هشتم هجری یعنی دوران شکوفایی عرفان اسلامی خواننده کتاب را در واقع با سیر پیدایش و رشد ادبیات عارفانه اسلامی در حیطه‌ی زبان عربی^۱ و در قالب شخصیت‌های کلیدی تصوف و عرفان، آشنا می‌سازد که برخی از این شخصیت‌ها نماینده عارفان خراسان بوده‌اند (مانند سهل تستری، جنید، حلاج و سلمه) برخی نماینده‌ی عارفان عراق (مانند تونسی و ابن‌فارض) و یا مذهب ابن‌عربی، و به هر حال نقاط عطفی در ادبیات عرفانی به شمار می‌آیند. افزون بر این، وی با تعلیقات ارزنده‌ی خویش که خالی از همدلی مؤلف با فحوای معارف و حالات و مواجید صوفیان نیست، ابهامات برخی ابیات را مرتفع می‌سازد.

احاطه مؤلف به زبان عربی، انگلیسی و ابعاد و ظرایف زیبایی‌شناختی و هنرمندانه‌ی زبان و نیز شناخت عمیق او به جنبه‌های گوناگون معارف اسلامی و عرفان این کتاب را همچنین به عنوان منبعی معتبر برای بررسی چگونگی برگزیدن مصطلحات و نیز اشعار عرفانی به زبان انگلیسی درآورده است. به باور مترجم، مؤلف به خوبی وحدت‌یابی تجربه‌ی درونی عارفان مسلمان را دریافته و بدون افتادن به دام تعصب برخی تقسیم‌بندی‌های تصنعی بین عارفان، جوهر تجارب عرفانی را در دو بُعد عرفان عملی (عشق و فراق و وصال) و عرفان نظری (وحدت وجود و نظریه تجلی) که در اشعار و غزلیات و رباعیات ایشان انعکاس یافته، به خوبی بازنمایانده است.

تلاش مترجم بر این بوده که در ترجمه اشعار، متن اصلی آنها به زبان عربی را محور قرار دهد بخصوص که در برخی موارد، پاره‌ای برگردان‌های انگلیسی اشعار را ناکافی یا نارسا می‌داند.

۱. البته برخی سرایندگان اشعار مزبور ایرانی و فارسی‌زبان بوده‌اند هرچند اشعاری را به زبان عربی سروده‌اند.

امتیازی که این اثر نسبت به اصل متن دارد پیوست انتهای هر بخش مربوط به هر شاعر عارف است زیرا هر چند ابیات برگزیده شده به مصداق:

اگرچه عرض هنر پیش یار بی ادبی است

زبان خموش و لیکن دهان پر از عربی است

حافظ

همه از ادبیات عرفانی زبان عربی انتخاب شده است و نه از بخش اعظم میراث عرفانی اسلامی یعنی ادبیات پارسی اما مترجم سعی کرده با افزودن پیوست‌هایی به اندازه بضاعتش این نقیصه را تا حدی جبران نماید.

اعتقاد نگارنده این پیوست‌ها خود فتح بابی در عرصه ادبیات تطبیقی است. مضامین عرفانی مطرح در ادبیات عربی و فارسی است.

در این بخش تلاش بر این بوده که به مصداق:

پارسی گو گرچه تازی تو هست عشق را خود صد زبانی دیگر است
مولانا

با لحاظ تشابهات مضامینی و محتوایی اشعار مطرح در ادبیات فارسی از شاعران بزرگ پارسی گو همچون حافظ، مولانا، سعدی، نظامی، عطار، سنایی، عراقی، باباطاهر، شمس تبریزی که به نوعی به وحدت تجربه عرفانی یا توارد یا اقتباس و تفسیری دلالت دارد آورده شود. فایده ذکر این ابیات نه تنها در فهم تراش‌های عربی بلکه در مقایسه و فهم مضامین بعضاً غنی‌تر میراث گرانمای عرفانی فارسی زبان نیز است چه این که:

خوبان پارسی گو بخشدگان عمراند ساقی بده بشارت رندان پارسی
حافظ

هر چند برخی ابیات برگزیده شده به ناگزیر بر اساس تفسیر نگارنده از آنها بوده است اما تلاش بر حفظ بیشترین حدّ مشابهت مضمونی و محتوایی بوده است.

دلیل دیگر مترجم در افزودن این بخش وقوف اوست به دشواری گزاردن حق زیبایی و سلاست اشعار در جریان انتقال به زبانی دیگر. شعر غالباً با لحاظ دو زیبایی یعنی زیبایی و صناعت لفظی و زیبایی

معنوی سرزده می‌شود که انتقال این دو جنبه - جز هنگامی که مترجم خود شاعر بوده یا دستی در شعر حدف در یکی از دو زبان مبدی - مقصد داشته باشد - دشوارترین کارهست. بر این اساس مترجم می‌دور است نظیر آوری فارسی مذکور تا حدی جبران این کمبود را بنماید.

صورت بستن این بخش خصوصاً در ارتباط با مضامین منبیه در بسیاری از ابیات مربوط به هزلان جلال‌الدین محمد بلخی با مدد و همکاری دوست فاضل و ادیب آقای مهدی کمپانی زارع پژوهشگر حکیمانه و توان‌آرامی حاصل شد که در اینجا از زحمات بی‌شائبه ایشان تقدیر نموده توفیق او را از درگاه خدای ودود خواستارم.

از آن کتاب حدیث ساغر و می» برگزیده شد تا رویکرد کلی گزینش سلف معنی و یکسرد عشق محور، و شورمندانه او نمایان باشد چرا که بیانت برگزیده بیش از آنکه در صدد نصیحت‌گویی و سفارش اخلاقی فارغ‌دلانه باشد در صدد بیان دردمندانه‌ی اشتیاق عارفانه است:

خدا را ای نصیحت‌گو حدیث‌گو

که نقش در خیال ما از این خوشتر نمی‌گنجد

همچنین این اشعار کمتر در صدد ستایش راز هستی و پرده‌برداری از آن است و بیشتر به سرشت انسان و تأثیر بی‌ماده‌ی بخش محبت و کیمیای عشق الهی در او می‌پردازد باز به تعبیر استاد سعید

حدیث مطرب و می‌گو و راز دهر کمتر جو

که کس نگشود و نگشاید به حکمت دست‌ان

امید است این اثر مورد استفاده همگان به ویژه علاقه‌مندان به اشعار عارفانه و ادبیات تطبیقی و مترجمان آثار اسلامی به زبان انگلیسی قرار گیرد.

در پایان ضمن تشکر از همه‌ی دست‌اندرکاران نشر این اثر لازم می‌دانم سپاس ویژه خویش را نثار دوست و همکار گرامی دکتر فضل‌الله میرقادری، دانشیار محترم بخش ادبیات عرب دانشگاه شیراز، نمایم که از سر لطف و با حوصله و دقت فراوان تمامی ابیات را مطالعه و بررسی نموده و جهت اصلاح ترجمه پیشنهادهایی ارزنده

ارائه نمودند. همچنین از خانم دکتر پورگیو که زحمت مقابله ترجمه متن‌های انگلیسی و تصحیح آن را پذیرا شدند تشکر می‌کنم. از مسئولان محترم دانشگاه شیراز که با انتشار ویرایش جدید این اثر توسط انتشارات نگاه معاصر موافقت نمودند کمال تشکر را دارم. چاپ نخستین این اثر با عنوان گلچین اشعار عارفانه (۱۳۸۶) توسط دانشگاه شیراز صورت گرفت. در ویرایش جدید تقریباً ترجمه تمامی ابیات بازنگری گردید و ترجمه ادیبانه و روان جایگزین ترجمه تحت‌اللفظی شد.

مجموعه از دانشور گرامی آقای اکبر قنبری و همکاران ایشان در شیراز نگاه معاصر و نیز از جناب استاد مصطفی ملکیان دبیر مجموعه بیست و هفتمین مجموعه با حسن نظر خویش ویرایش جدید این کتاب را در مجموعه بیست و هفتمین مجموعه گردآوری کردند سپاسگزارم. و آخرت و ان شاء الله الحمد لله رب العالمین.

سعید رحیمیان

رئیس هیئت علمی دانشگاه شیراز

دیباچه

در همان هستی» (تات اوم سی) این بیان هندوان از «حقیقت متعالی» همه مذهبی معادلی خاص دارد. در اسلام که صوفیه نماینده‌ی حقایق باطنی آن به شمار می‌آیند، حقیقت مطرح در بیان مزبور در قرآن کریم با این عبارت بیان شده «ما (خداوند) از رگ گردن به او (انسان) نزدیک‌تریم». (ق/ ۱۶)

و چنان‌که خواهیم دید، یکی از اهداف این کتاب با این مطلع آغاز می‌شود که:

رایت ربی بعین قلبی فقلت من انت قال انت

پروردگارم را با چشم قلبم دیدم و او گفتم تو کیستی؟ و او پاسخ داد: من تو هستم.

حلاج، شاعر بیت بالا، در جایی دیگر «ای سنی» و یگانگی مورد بحث را به عنوان «هویت‌یابی متناوب» [intermittent identification] مطرح کرده و کتاب من با عنوان عارفی از قرن بیستم به نام «مورد استاد بزرگ الجزایری شیخ احمد علوی است نیز شامدی» و «ای متناوب هویت است»^۱ و آن را کاملاً تأیید می‌کند. علومی از او نقل سخن می‌گوید «هنگامی که یکی از بندگان را برگزیده و به حضور خویش فرامی‌برد، آنجا که گاه خود را به او نمایانده تجلی می‌کند و گاه از او برکشیده او را ترک می‌کند. واژه‌ی «آنجا که» در این عبارت دارای کمال اهمیت است.

۱. نگاه کنید به، ابوبکر سراج‌الدین (مارتین لینگز)، کتاب المیقین، کمبریج، انجمن متون اسلامی. (ر.ک: ترجمه کتاب مزبور از زهره حاجی میرصادقی، نشر هرمس)

این غیبت در قالب حضور را می‌توان به عنوان نتیجه‌ی گریزناپذیر این حقیقت دانست که هستی، ولی (holy man) مورد نظر همواره وجودی خدایی و الوهی (providential) است.

بر این اساس وحدانیت حاصل از «وصال» که هر چیز جز خود را محو می‌نماید، سعادت‌مندانه، ولی (Saint) را از تعلق به سرشت شری‌اش رهایی می‌بخشد. پس «ولی» می‌تواند هم به کار خویش به عنوان رهبری روحانی برای عده‌ای مریدان بپردازد و هم به عنوان الگو و نمونه‌ای برای آنها که با او مواجه می‌شوند، باشد. همین گریزناپذیری را که به وضوح از منظری دیگر بنگریم؛ از یک ولی (مرد یا زن) سخن گفتن در واقع سخن گفتن از کسی است که دوباره به اصل نخستین خود رسیده، یعنی به کمال انسانی که بشر هنوز هبوط نیافته از آن بهشت زمینی، واصل آن بوده است. چنین کمالی بدانسان که در همان باغ عدن مطرح شده، جز بازتابی از کمال پیش روی او در جهان بعدی در بهشتی آسمانی، در جمع ارواح مقدس که در آن مأوا گزیده‌اند، نیست.

بنابراین، از آنجا که فرمان به مؤمنان دو بهشت را وعده می‌دهد نیاز به این دوگانگی نمی‌رواند در اولیای خدا، در زندگی زمینی‌شان، آشکار نبوده باشد، آن‌گونه که پیش از این امر را، در تناوب حالت معنوی ایشان از مقامی به مقام دیگر مشاهده کرده‌ایم.

قرآن کریم دو زوج بهشت (باغ) نام می‌برد که هر یک در معنای تحت‌اللفظی و محدودشان به کار نمی‌روند بلکه این دو بالاترین زوج‌هایی‌اند که می‌توان آنها را از آن همه کسانی دانست که به بالا این مراتب ولایت دست یافته‌اند.

براساس تفسیری صوفیانه، این دو بهشت شامل بهشت روحانی و بهشت ذات است.^۱ اجتماع و مصاحبت اولیا در بهشت روحانی واقع می‌شود که ویژگی آن براساس تفسیر مزبور - اگر میوه و ثمره آن لحاظ گردد - آن است که هسته‌ی فردیت در آن بهشت روحانی هنوز باقی است. در حالی که ویژگی «بهشت ذات» به وسیله‌ی اناری ترسیم می‌شود که هسته ندارد. و این اشاره است به بهشت وحدت

۱. نگاه کنید به فصل دوم کتاب پیش گفته.

که در آن هر فردیت و تعبیر محو می‌شود، اما از آنجا که همه‌ی بهشت‌ها در محبت ذات الهی واقعند، همگامی که بین روح گویا-گود اتحاد برقرار گردد، هیچ‌گونه فقدی (نمیری در آن قابل تصور نیست. به بیان دیگر عوالم بشکوهی که اولیاء خدا به آنها وارد می‌شوند، آنچنان به روشنی، تجلی‌گاه ذات الهی‌اند که به چیزی جز شگفتی و بهتاج‌آور در وارد شوندگان نمی‌تواند انجامد.

اولیاء خدا، با وجود این اطمینان که حالات وصال، زائل‌شدنی نیست و هر هجران آشکاری دور محضر او واقع می‌شود، با این‌همه، [آنگاه که] در این جهان، دیگر در بهشت عدن نیستند و آن‌گونه که [وضع] حوال، اکنون و در ضلّ دوران گذشته نشان می‌دهد. احساس [این] با دیگران خداوند و بازگشت به نقایص تحمیلی این جهان دوز می‌تواند [برای] آنان توان‌فرسا و تحمل‌ناپذیر باشد. هرچند «ولی» اطمینان در مقام وصول از دست‌رفتنی نیست و این‌که هرگونه غیبت و فراق [برای] چنین چوپی از حضور و وصول قرار دارد.

نفس به نحو [این] است و به حسب فطرت بقای خویش را خواهان است و بی‌گمان از راهی [این] است و دعا و عبادت است و راه دیگر بقا که بی‌ارتباط با [این] و عبادت نیست عبارت است از زایش شعر. بنابراین، تعجب‌آور نیست که شعر برخی شاعران در این کتاب حالتی شکوه‌آمیز و حزن‌انگیز باشد، اما این دیباجه تا حدی بدین جهت نیز به نگارش درآمده تا این نکته را واضح کند که این پریشانی و اندوه ظاهری به هیچ‌وجه ضرورتاً [این] نیست که شاعر به مقام منبع معنوی دست نیافته باشد.

طرح مربوط به کنار هم نهادن اشعار این کتاب [این] است که به سال‌های دهه هفتاد میلادی می‌رسد. یک یا دو سال پیش از آن [این] این کتاب کار کنم، پروفسور سرجنت (Sergeant) از من خواست که فصلی در باب اشعار صوفیان بنگارم. این مطلب در نهایت به نام شعر عرفانی به عنوان جلد دوم از تاریخ جدید کمبریج در ادبیات عرب انتشار یافت.

من با پیشنهاد مزبور با این شرط - که بعداً مورد پذیرش قرار گرفت - موافقت کردم که نتیجه‌ای از کار به من برگشت داده شود نه از آن جهت که کل فصل را منتشر کنم بلکه از آن جهت که اشعار آن فصل را به زبان انگلیسی ترجمه کنم و این نیت را در مورد جمع‌آوری گلچینی از اشعار صوفیان سده‌های میانه با پروفیسور سرجنت در میان گذاشتم.

البته، این بدان معنی نیست که اشعاری که در این‌جا آمده همان اشعار فصل مزبور است زیرا برای فصل یادشده به ذکر تعداد معینی از واژه‌ها می‌بایست اکتفا کنم. برای مثال آن فصل تنها ابیات آخرین دیوانی خمیره ابن فارص را دربر داشت، اما این‌جا کل قصیده مزبور را به همراه دیگر اشعار کوتاه وی که در آنجا ترک شده بود، آورده‌ایم.

با این تفکری که من فصل مزبور نیز پس از نقل قول‌ها و اشعار عرفانی به جهت پراکندگی مطالب دیگر می‌تواند برای هرکس که این گلچین را می‌خواند جایز باشد.

در این مجلد، اشعار هر شاعر در کنار هم آورده شده و نظم گروه اشعار، نه نظم اشعار درون هر گروه، تا آنجا که امکان‌پذیر بوده براساس تاریخ سرایش آنها (تاریخ وفات شاعران) رعایت شده است.

اوتیس لانگز